

علما چه زمانی لباس رزم پوشیدند

۱۱ تیر ۱۳۹۳ ساعت ۱۲:۵۹

تمرکز فعالیت‌های آلمان و عثمانی، جلب حمایت مراجع و علمای اسلامی بود، اما علمای اسلامی بدون توجه به تلاش آلمانی‌ها و بی‌کفایتی دولت‌های اسلامی در مقابله با اجانب و تنها براساس وظیفه شرعی به میدان آمدند.

جنگ جهانی اول که سال ۱۹۱۴ میلادی / ۱۳۳۳ هجری قمری آغاز شد، ایران بی‌درنگ با انتشار یک اعلامیه رسمی بی‌طرفی خود را در جنگ اعلام کرد. با این وصف، این موضعگیری از طرف همسایگان شمالی، غربی و جنوبی مورد بی‌اعتنایی قرار گرفت.

با توجه به موقعیت کشورمان، طرف‌های درگیر در این نبرد، هر یک بخش‌هایی از ایران را به اشغال خود درآوردند. در جنوب، بریتانیا که از دو سال قبل از جنگ، آرام آرام اقدام به اعزام نیروی نظامی از هند و اشغال تدریجی جنوب کرده بود، همزمان با آغاز جنگ جهانی اول با افزایش نیروهای خود در این منطقه، آرایش جدیدی به نیروهای خود داد.

با افزایش خطر روس‌ها، آلمانی‌ها با آگاهی از تنفر مسلمانان از روس و انگلیس و با اطلاع از رابطه معنوی آنان با عثمانی، درصدد برآمدند نظر مسلمانان را به پشتیبانی از آلمان و ایجاد مشکل در مناطق نفوذ و حضور روس‌ها و انگلیسی‌ها فراهم آورند



تمرکز فعالیت‌های آلمان و عثمانی، جلب حمایت مراجع و علمای اسلامی بود، اما علمای اسلامی بدون توجه به تلاش آلمانی‌ها و بی‌کفایتی دولت‌های اسلامی در مقابله با اجانب و تنها براساس وظیفه شرعی به میدان آمدند. اولین گام را شیخ‌الاسلام در اسلامبول با اعلان جهاد برداشت. مراجع شیعه نیز امر به جهاد صادر کردند. مراجع تشیع در کربلا و نجف، حتی از ایران خواستند در کنار عثمانی قرار گیرد، اما ایران توجهی نکرد.

البته مراجع، عثمانی را نه یک دولت صددرصد مسلمان بلکه آن را در مقام مقایسه با روس و انگلیس ترجیح می‌دادند. مراجع و علمایی چون: سیدمحمد سعیدحبوبی (از علمای عرب)، شیخ الشریعه اصفهانی، سیدعلی داماد، آقا سیدمصطفی مجتهد کاشانی (پدر آیت‌الله میرزا ابوالقاسم کاشانی)، آیت‌الله خوانساری پا را فراتر نهادند و علاوه بر فتوا در جنگ هم شرکت کردند.

ایرانیان نقش بیشتری در قیام علیه قوای متفقین بویژه انگلیسی‌ها ایفا کردند. یک ایرانی به نام عباس خلیلی در نجف قیام کرد و حاکم نظامی عراق کاپیتان مارشال را به قتل رساند. انگلیسی‌ها از سرکوب این قیام فارغ نشده بودند که با انقلاب عمومی بین‌النهرین به رهبری آیت‌الله میرزا محمدتقی شیرازی مواجه شدند.

آیت‌الله کاشانی هم اعانت به کفار حربی را محاربه با خدا و پیامبر و جدال با آنان را واجب دانست و خود به جهاد با دشمن پرداخت. مناطق جنوبی ایران و در تنگستان و دشتستان، زائر خضرخان، رئیسعلی دلواری و شیخ حسین چاکوتاهی به جنگ با انگلیس دست زدند. گرچه همه این قیام‌ها به دلیل بی‌توجهی دولت‌های اسلامی وابسته، با شکست مواجه شد، اما اگر این قیام‌ها نبود وضعی به مراتب بدتر در انتظار مسلمانان بود.

در این زمان موج گسترده‌های بر ضد حضور نیروهای بیگانه در ایران پدید آمد و مردم بوشهر نیز به همراهی رئیسعلی و معین

التجار بوشهری علیه نیروهای بیگانه قیام کردند. رئیسعلی با علمای بوشهر ارتباط برقرار کرد.

در این میان شیخ محمدحسین برازجانی از علمای منطقه ضمن اعتراض به دخالت‌های انگلستان و نقض اعلام بی‌طرفی ایران از سوی آنها ضمن تلگرافی به تاریخ ۲۹ شعبان ۱۳۳۳ هجری قمری به مستر کاکس جنرال قونسول انگلیس مقیم بوشهر چنین خطاب کرده است:

«... راجع به محاربه عمومی که دولت جلیله ایران مسلک بی‌طرفی اختیار کرده است... قواعد بی‌طرفی را مراعات کرده و دست از پا خطا ننموده، اگر به دیده انصاف ملاحظه شود دیده می‌شود که علت هیجان ملت بر علیه دولت شما همانا مداخلات دولت متبوعه شما و روس در خلیج فارس و نقاط جنوبی و شمالی ایران است که هر وقت توانستهاید برخلاف بی‌طرفی ایران اقداماتی کرده‌اید... این نکته را هم اخیراً خاطر نشان می‌کنیم اگر هر آینه عملیات جنگجویانه شما دوام پیدا نمود و در ظرف مستقبل جلوگیری از ملت ممتنع گردید، ملامت و مسئولیت راجع به حرکات لا ابالیانه شماست که از خطه بیطرفی تخطی نمودهاید و اینجانب را هیچ مسئولیت و ملامتی نیست». لقد اعذر من انذر، خادم الشریعه محمد حسین برازجونی.

در این جنگ روحانیون بوشهری در کنار نیروهای انقلابی و تنگستان با اعلام جهاد علیه انگلیسی‌ها به مبارزه با آنان پرداختند. از جمله این روحانیون آیت‌الله سیدعبدالله مجتهد بلادی بوشهری بود. او برای گسترش مبارزه با انگلستان به حمایت از رئیس علی دلواری همت گمارد.

آیت‌الله بلادی تمام اخبار و اطلاعات را به دلواری می‌رساند و منزل او کانون مبارزه بود. او با یک فتوا خرید و فروش کالاهای ساخت انگلیس را تحریم کرد. این فتوا کنسول انگلیس را واداشت گزارشی علیه آیت‌الله بلادی به وزارت خارجه انگلیس بفرستد. در پی سخنرانی‌های آیت‌الله بلادی علیه انگلیسی‌ها، اوضاع شهر متشنج شد و مردم در مساجد گرد هم آمده و به تحریک آیت‌الله علیه انگلیسی‌ها شعار داده و قصد حمله به آنان را کردند. با افزایش خفقان سیاسی و گسترش حضور نظامیان در بوشهر، آیت‌الله بلادی بوشهر را ترک و به شیراز مهاجرت کرد.

یکی دیگر از روحانیون مبارز در این زمان شیخ علی آل عبدالجبار بود که با رئیس علی ارتباط ویژه‌ای داشت. او مردم را به شورش و نبرد با انگلیسی‌ها و اخراج آنان از جنوب ایران تشویق کرد و علیه آنان اعلام جهاد داد. با اعلام فتوای جهاد علیه انگلیس از سوی روحانیون و مجتهدان، رئیسعلی سعی در اتحاد مردم کرد و به گردآوری تجهیزات پرداخت.

در این میان آیت‌الله شیخ جعفر محلاتی مردم شیراز را برای حمایت از رزمندگان تنگستان و دشتستان به استمداد طلبید.

او خود لباس رزم پوشید و با ۷۰۰ نفر مجاهد عزم برازجان کرده و با خدای خود عهد بست تا هنگامی که بوشهر از قوای متجاوز انگلیس تخلیه نشود به شیراز برنگردد.

آقا شیخ جعفر به اتفاق مجاهدین وارد برازجان شدند و مورد استقبال قرار گرفتند. در آنجا جلسهای برای پیوستن مجاهدین در چغارک بین علما و غضنفر السلطنه و دریابییگی صورت گرفت که حضار بر طبق میل دریابییگی و غضنفر السلطنه رأی دادند و بنا شد تمام مجاهدین در برازجان بمانند ولی عاقبت افراد به فرماندهی محمد خان با تجهیزات حرکت کرده و شبانه وارد چغارک شدند و به مجاهدین پیوستند.

در چنین شرایطی، انگلیسیها سال ۱۳۳۳ پس از تصرف اهواز، یک شبکه خرابکاری آلمانیها در بوشهر پی بردند و در یک هجوم ناگهانی به عمارت جرمنی، واقع در منطقه بهمنی بوشهر، یک نفر از کارمندان آلمانی را دستگیر نمودند. در این زمان رئیسعلی دلواری آمادگی خود را برای تصرف بوشهر و اخراج انگلیسیها اعلام کرد.

دولت آلمان و ایران به این اقدام انگلیس اعتراض کردند. والی فارس چند بار خواهان آزادی کنسول آلمان شد، اما به درخواست وی اعتنایی نشد. این اعمال موجب شد که مردم نیز علیه انگلستان فعالیت کنند و محبوبیت آلمان در بین آنها بیشتر شود. روحانیون بوشهر نیز رسماً به این کار اعتراض کردند. آیت الله بلادی، محمد بهبهانی نجفی، محمد علی مولوی و جواد طباطبایی و محمدحسین برازجانی از جمله روحانیونی بودند که به این عمل انگلیس اعتراض و آن را محکوم کردند. مقامات بلند پایه ایران و آلمان نیز در این زمینه فعالیت شدیدی از خود نشان دادند.

با همه تلاشی که آیت الله بلادی و دیگر علمای بوشهر برای جلوگیری از تجاوزات انگلیسیها به مردم کردند به مقصودشان نایل نیامدند. از این رو آیت الله بلادی علیه انگلستان و اتباع آنها و همچنین جاسوسان و خائنین ایرانی آنها اعلام جهاد داد.

تحرکات ضدانگلیسی آیت الله بلادی، مقامات سیاسی انگلیس در بوشهر را خشمگین کرد و آنان را واداشت با ترور وی سد بزرگی را از جلوی پای خود بردارند. از این رو با همکاری برخی عناصر وابسته ایرانی، نقشه ترور و از میان برداشتن ایشان را پی ریختند، اما آیت الله بلادی با وجود خطر حتمی ترور، مدت دیگری نیز در بوشهر مانده و علیه انگلیسیها فعالیت کردند و عاقبت رئیسعلی دلواری به همراه افرادش شبانه آیت الله بلادی را از بوشهر خارج کرده و به نقطه امنی منتقل کردند. نبرد نابرابر دلیران تنگستان باوجود رشادتهای عشایر جنوب و حمایت علما به سرانجام نرسید و با کشته شدن سران جنبش این حرکت هم متوقف ماند.

پانوشته‌ها:

- گراهام رابرت، ایران سراب قدرت، ترجمه فیروز فیروزنیا، تهران: سحاب، ۱۳۵۸

- جمیله عباسی، اوضاع سیاسی ایران در جنگ جهانی اول، تهران: کورش، ۱۳۸۸

- ابوالحسن غفاری، «قرارداد ۱۰۹۷ و جمهوری سوم»، مجله آینده، سال ۱۲

- مدنی، تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران، ج ۲

* جام جم

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/27438/پوشیدند-رزم-لباس-زمانه-علما/>